

جنبش کارگری "گامی به پیش" و "گام های" پیش رو!

بهزاد سهرابی

چهارشنبه سیزدهم آذر ۱۳۸۷

سرمایه جهانی و به تبع آن سیستم بورژوائی حاکم در ایران برای دفاع از سیادت طبقاتی خود و برای خنثی کردن اعتراضات کارگری دست به اقدامات و دسیسه‌چینیهای گوناگونی میزند که یکی از آنها سرکوب عربان می باشد. با بررسی اجمالی اعتراضات گذشته کارگران ما شاهد آن بوده ایم که هر تجمع اعتراضی کارگری بدون کوچکترین تردید، سرکوب و ازتجمع کارگران ممانعت بعمل می آمد. هرچند این روند سرکوب کماکان ادامه دارد و حتی بر دامنه‌ی آن افزوده شده؛ اما امروز شاهد آن هستیم که به یمن بصیرت سیاسی، آگاهی طبقاتی، از خودگذشتگی، جسارت و مقاومت تحسین برانگیز کارگران در سالهای اخیر، امروز تجمع و اعتراض در مقایسه با گذشته کم هزینه تر شده است. این پیشروی جنبش کارگری نقطه عطفی مهم در مبارزات کارگری است. چرا که به یمن تلاش و پی گیری کارگران و فعالین و پیشروان کارگری ما شاهد آن هستیم که سطح مبارزه توانسته است گامی هرچند کوچک، اما پیش رونده را در برداشته باشد. اگرما قبلا شاهد اعدام فعالین کارگری (جمال چراغ ویسی و...) بودیم، اگر ما شاهد به گلوله بستن و جانباختن کارگران مس خاتون آباد، به خاطر دفاع از ابتدائی ترین خواست آنها بودیم، اگر اعتصاب سال ۸۵ کارگران پرریس سنندج با وحشیانه ترین حالت ممکن سرکوب شد، اگرما شاهد سرکوب اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه در مقابل فرمانداری شوش و دهها نمونه دیگر از سرکوب ها بوده ایم؛ امروز به یمن همین سر سختی و پافشاری بر خواست های طبقاتی است که کارگران کم هزینه تر از گذشته دست به تجمع و اعتراض میزنند.

فعالین کارگری بطور مشخص، از سال ۱۳۸۳ ایجاد تشکلات کارگری به نیروی خود کارگران را در دستور کار گذاشته و بطور خستگی ناپذیر در فراگیر کردن این خواست کارگری تلاش کردند. امروز به جرات میتوان گفت که این شعار به شعار روئین و کنکرت اعتراضات کارگری تبدیل شده و خواست ایجاد تشکل کارگری یکی از خواست های اساسی کارگران در اعتراضات کارگری می باشد. نکته‌ی مهمتر آنکه اراده برای عملی کردن این خواست در سطح قابل توجهی بوجود آمده است.

مبارزه کارگران هر روز توانمند تر از گذشته با اتکاء به نیروی خویش در باز شناخت توانمندی های خود گام بر میدارد. هر چند مبارزه دارای اوج و افول بی نهایی می باشد و بی شک تا توازن قوای بهتر همیشه دست آورد های کارگران احتمالا نسبت به شکست های آن کمتر است؛ اما باید باور داشت که مبارزه‌ی واقعی این چنین خصلتی را در نهان خود داشته و دارد، چرا که مبارزه طبقاتی با اتکاء به نیروی توده‌ی کارگران هدایت و سازماندهی میشود و از هر گونه کار ولونتاریستی و آوانتوریستی به دور می باشد.

ما شاهد آن هستیم که شرایط سرکوب میتواند یک فاکتور اصلی در عدم پیشروی جنبش کارگری محسوب گردد، اما نمی تواند برای همیشه در مقابل خواست کارگران عامل تعیین کننده ای باشد. در روند اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه ما شاهد سر کوب و دستگیری فعالین و نمایندگان کارگری بودیم، اما با توجه به اراده طبقاتی و پافشاری

همراه با آگاهی نسبی در ایجاد تشکل کارگری، با تمام موانع پیش رو، کارگران نیشکر هفت تپه توانستند یک بار دیگر این باور را شکوفا نمایند که در مقابل سرمایه میتوان ایستاد و این اراده طبقاتی میتواند فضای سرکوب را تا حدی تغییر دهد. کارگران نیشکر هفت تپه با عزم راسخ خود به این امر نائل آمده و تشکل مورد نظر خود را اعلام کردند. کارگران نساجی کردستان ناچاراً همگی تسلیم به پذیرش تسویه حساب شدند چرا که با توجه به تمام اعتراضات جانانه ای که از خود نشان دادند اما به دلایل عدیده از جمله ضعف مالی کارگران، این مبارزه متوقف شد. اما از طرفی دیگر، کارگران نساجی (تعداد ۶۵ نفر) در پیگیری مطالبه خود یعنی دریافت دیه به خاطر بیماری ناشی در حین کار، توانستند با حکم دادستانی مبلغ ۳۰۰ میلیون تومان اموال شرکت نساجی کردستان را به نفع خود مصادره نمایند و همچنین در نتیجه تلاش و مبارزه جمعی و متشکل کارگران کارخانه ی ایران برک، کارگران اخراجی این کارخانه، بر سرکارهای خود باز گشتند.

کارگران پر ریس با ادامه مبارزه و تسلیم نشدن در مقابل خواست کارفرما مبنی بر تسویه حساب و ادامه مبارزه تا کنونی آنها، اداره کار را وادار کرده اند که حکم باز گشت به کار کارگران آن واحد را صادر نماید.

کارگران فرش غرب بافت با توجه به اینکه کارفرما همچنان بر اخراج و تسویه حساب کارگران پای میفشارد اما تا کنون کارگران این واحد تولیدی، تسلیم این خواست کارفرما نشده اند و مبارزه آنها همچنان ادامه دارد.

کارگران لاستیک سازی البرز - کیان تایر - با به تصرف در آوردن کارخانه و تداوم مبارزه به بعضی از خواستههای خود رسیدند و برای رسیدن به بقیه‌ی مطالبات همچنان برخواست‌های خود مصمم هستند. و کارگران چینی گیلان با کنترل کارگری، کارخانه را هنوز در تصرف خود دارند.

بله؛ اینها و شاید ده‌ها نمونه دیگر از مبارزات کارگری، توانمندی این طبقه را نشان میدهد و این تنها اشاره به مراکزی است که خبر آن از میزبانی دولتی و مطبوعاتی گذشته و در سطح جنبش کارگری علنی شده است.

باید با اتکاء به این دست آوردها گامهای بعدی را برداشت. برای اینکار باید ویژگی شرایط کنونی را شناخت. ویژگی شرایط امروز وجود یک بحران اقتصادی جهانی است که سرپای نظام سرمایه‌داری را فراگرفته است.

آمریکا که داعیه ایجاد نظم نوین جهانی را دارد و پایان تاریخ را به وسیله متفکرین "ابله" خود با رقص و پایکوبی، بعد از فروپاشی شوروی، اعلام نمود، امروز چهار دست و پا در باتلاق بازار آزاد و بحران آن، خود را گرفتار می بیند. بحران "وال استریت" و اعلام ورشکستگی "لیمن برادرز" یکی از بزرگترین بانک های ایالات متحده آمریکا لرزه بر اندام نظام سرمایه‌داری در این مملکت انداخت. این بحران خود را از مرزهای جغرافیائی، وطنی و حصارهای خودتئیده آمریکا رها ساخته است و به سرعت دامن اقتصادهای بزرگ را گرفته و بدرجات گوناگون اقتصاد کشورهای تحت سلطه و یا به اصطلاح در حال توسعه را نیز زیر تاثیر قرار داده است.

خادمان و تئوریسین های ریز و درشت لیبرالیسم اقتصادی، تاجریسم و اقتصاد کینزگرا برآنند که بحران اخیر، که ذاتی سیستم سرمایه داری است را، با عدم مدیریت مدیران و کمبود قوانین و مقررات توجیه نمایند، اما آنچه انکار ناپذیر است گفته مارکس میباشد که مستدل کرد بحران همزاد نظام سرمایه داری است، نظامیکه تضادهای ذاتی مرگبار و بحرانهای مهلکش سرانجام آن را به سوی زوال و نابودی می کشاند.

سرمایه‌داری به خاطر افسار گسیختگی در توحش و داشتن تمامی ابزارهای سرکوبگر خود از جمله پلیس، ارتش،

نیروهای امنیتی، آدم کش های حرفه ای و نیروهای شبه نظامی که در ترور و به آشوب کشاندن و نا امن کردن جامعه آموزش های وافی و کافی را دیده اند و نیز از امکانات عظیم مالی، رسانه ای و غیره برخوردارند، این بار هم شاید بتوانند اقتصاد در حال احتضار و پوسیده خود را از باتلاق بحران پر از تعفن سرمایه بیرون بکشاند، اما هر بحران مقدمه ای برای یک بحران ویرانگرتر بعدی است.

سرمایه داری با داشتن انواع حامیان رنگارنگ خود، در راستای تحمیل بیشتر استثماری، فقر و فلاکت و بیکاری میلیونی رو به رشد، با تزویر و ریا و به انقیاد کشاندن کارگران، با حمله به سطح معیشت آنان و دست درازی به حقوق آفرینندگان نعمات مادی، سایه شوم خود را می گستراند و هر روز بیشتر از گذشته در راستای تعمیق مناسبات ظالمانه خود می کوشد. اما مبارزه ی جبهه ی کار علیه سرمایه نیز در اشکال گوناگون ادامه دارد.

ما در ایران شاهد رشد فزاینده بیکاری و اخراج سازی های گسترده، فشار افسار گسیخته صاحبان سرمایه بر کار و زندگی کارگران و فاصله نجومی بین کارگران و سرمایه داران هستیم. جواب اعتراضات کارگران و فعالین کارگری شلاق و زندان است. پس لرزه های بحران آمریکا در ایران با ساده نگری کارشناسان پاسخ داده میشود! یکی آن را غضب خداوند می خواند و آن دیگری برای دل خوش کردن صاحبان سرمایه می گوید: "اگر نفت به بشکه ای ۵ دلار هم برسد ما ایستاده ایم!!"

ما بر اساس شواهد عینی و داده های علمی میدانیم که بحران با کاهش قیمت نفت به ایران رسیده و در آینده نیز بطور وسیعی دامن مردم کارگرو توده ی زحمتکش را خواهد گرفت. باید برای دفاع از سطح زندگی و حقوق کارگران و توده هایی که چشم امیدشان به کارگران است آماده شد. تداوم مبارزه ی کنونی و رشد و گسترش آن وظیفه ی کارگران سوسیالیست است.

اعتراضات اخیر کارگران در مراحل مختلف مبارزاتی خود شاهد این مدعاست و ما هر روز بیشتر از گذشته شاهد حضور جنبش کارگری میباشیم. امروز طبقه کارگر در ایران با حرکت های خود انگیزه و بر اساس بی حقوقی های اعمال شده می رود که زمینه ساز حضور گسترده تری از کارگران در عرصه مبارزات طبقاتی را شامل شود. بیشک کارگران و فعالین کارگری امروز بیش از گذشته در امر مبارزه خود ساخته، دارای تجارب بی نظیری میباشند. اما همانطور که شاهدیم تعداد بی شماری از هم طبقه ای هایمان هنوز به صف میلیونی این کارزار نه نیافته اند.

کارگران به خاطر داشتن شرایط ویژه، امروز تنها راه را مبارزه بر علیه این بی حقوقی ها می دانند. علیرغم ارباب و سرکوب که فاکتور اساسی در به عقب راندن مبارزات کارگری در ایران است، باز ما شاهد مبارزه کارگران در راستای تحقق مطالبات خود می باشیم. کارگران هر چند به وسیله نیرو های امنیتی هم چنان سرکوب میشوند، اما با بررسی روند مبارزات گذشته تا به امروز توانسته است گام های اساسی (هر چند کوچک!) را در مبارزات جنبش کارگری به ثبت برسانند.

مبارزات کارگران در داخل، نیروی پشتیبان خود را نیز در خارج پیدا کرده است. امروز ما شاهد آن هستیم که فعالین صدیق جنبش کارگری، در خارج از کشور، مبادرت به تشکیل نهادها، کمیته ها و کانونهای دفاع از کارگران ایران کرده اند و در این راه به مثابه پشت جبهه ی مبارزات کارگران ایران از هیچ کوششی دریغ نکرده اند. و با اعتراضات آکسیون، اطلاع رسانی، جمع آوری کمک های مادی و ... ، توانسته اند تا حدودی به پیوند جهانی

مبارزات کارگری کمک رسانده که این در تاریخ جنبش کارگری ایران در نوع خود بی نظیر می باشد. بی شک این پیوند جهانی مابه ازای حضور کارگران و تبلور یک مبارزه زنده و پویا در داخل است.

با توجه به مختصر اشاراتی که نسبت به موقعیت نظام سرمایه و پیشروی جنبش کارگری انجام گرفت، اینک باید فعالین سوسیالیست و تمامی کمیته ها و تشکلات کارگری بنا به این پیشروی، با پلاتفرم منطبق با شرایط کنونی به مثابه پیشروان جنبش کارگری با طرح اصولی ترین راه کارهای عینی و عملی، فاز نوینی را در جنبش کارگری در دستور گذارند.

"کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری" یکی از کمیته های فعال و رادیکال درون جنبش کارگری ایران است که توانسته با تمام ضعف ها و موانع پیش رود امر تبلیغ و ترویج انواع تشکلات توده ای طبقاتی، گام هائی را برداشته و باید بتواند با توجه به پیشروی نسبی جنبش کارگری نقش عملی و جدید را در دستور کار خود داشته باشد. با پیشروی نسبی جنبش کارگری بی شک تمامی حامیان سرمایه، از گرایش راست درون جنبش کارگری گرفته تا فرمیست های دو آتشه و چپ نما، هر کدام به نحوی در به انحراف کشیدن این جنبش از پای نخواهند نشست. کانون آمریکائی همبستگی با کارگران ایران (وابسته به سولیداریتی سنتر) یکی از مراکز توطئه گر، که سعی دارد به انحاء مختلف، جنبش کارگری را به فساد بکشاند و از طریق کسانی همچون مهدی کوهستانی نژاد به خاطر پیشبرد اهداف خود، در جنبش کارگری نفوذ و از توانمندی و گرایش سوسیالیستی این جنبش کاسته و افق و استراتژی طبقاتی را به مصالحه و رایزنی با سرمایه داری تنزل نماید. سولیداریتی سنتر بخش بین المللی فدراسیون کار آمریکا (ای اف ال) می باشد. بودجه این مرکز ضد کارگری توسط دولت آمریکا و بنیاد اوقاف ملی برای دموکراسی که از حمایت همه جانبه کنگره آمریکا برخوردار است، تامین میشود. مهدی کوهستانی نژاد با امکانات این مرکز امپریالیستی، میخواهد با تشکیل مثلث شوم در ایران و احتمالاً با همکاری چند آدم خود فروخته در داخل، جنبش کارگری را تحت سیطره این مرکز قرار داده و جنبش کارگری را به مثابه ابزاری در خدمت سیاست های بورژوائی برای معادلات جهانی گوشت دم توپ نماید.

جنبش کارگری ایران بارها ضربات مرگ باری را تجربه کرده است و آخرین نمونه بارز را میتوان در قیام ۵۷ ایران و به انحراف کشاندن اعتصاب کارگران شرکت نفت را یاد آور شد.

بی شک تبیین افق مبارزه طبقاتی یکی از وظائف دیرینه و بی وقفه گرایش سوسیالیستی درون جنبش کارگری بوده و هست، امروز باید این مهم با دقت و وسواس و پختگی خاصی دنبال شود. وظیفه کارگران و پیشروان کارگری است که امروز با سبک کار عینی و مشخص در امر پیشروی این مبارزه طبقاتی همچون گذشته نقش تاریخی طبقاتی خود را ایفا نمایند. جنبش کارگری باید بتواند حول شعارهای واقعی، خود را سازماندهی نماید که جدای از دست یابی به خواست های فوری و آنی بتواند افق طبقاتی را در دورنمای خود داشته باشد. امروز پیشروان طبقه کارگر بیش از پیش باید با اتکاء به نیروی کارگران و هژمونی طبقاتی آنان، ضمن مبارزه برای ایجاد انواع تشکلات توده ای طبقاتی، ایجاد تشکل شورائی که عالیتترین شکل ممکن برای ادامه مبارزه ای پیگیر و همه جانبه است را به شعار روزانه مبارزات کارگران تبدیل نمایند. و با استفاده از نیروی عظیم کارگران گامی نوین را پیش روی خود داشته باشند. اگر فعالین جنبش کارگری نتوانند در ارتقاء سطح جنبش با توجه به حضور کارگران در این عرصه سبک کار

مشخصی را نهادینه نمایند، بی شک بورژوازی بنا به توانمندی مالی و با استفاده از قدرت دستگاه های سرکوبگر خود و با اتکاء به گرایشات رفرمیستی و سندیکالیستی میتواند دوباره چندین دهه دست آورد های تا کنونی کارگران ایران را به عقب رانده و مبارزه کارگری را در سطح یک خواست نیم بند و دادن تشکل های خود ساخته دولتی سازماندهی نماید.

پس فعالین و پیشروان جنبش کارگری به مثابه پیش قراولان این جنبش باید هم چون گذشته به این مهم پرداخته و با توجه به سطح پیشروی جنبش کارگری، باید بتوانند شوق یک خیز بلند را تجربه نمایند. بی شک گام های پیش رو با حضور فعال کارگران آگاه، در مبارزه ی طبقاتی میسر و امکان پذیر می باشد.

بهزاد سهرابی

"عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری"

آذرماه ۱۳۸۷

<http://www.komitteyehamahangi.com>

komite.hamahangi@gmail.com